

به مناسبت 26 اسفند، پنجمین سالگرد درگذشت حاج علی اکرام / میرزا رسول اسماعیل زاده

راه حاج علی اکرام که به تعبیر خود او راه امام خمینی بود، امروز در آذربایجان مستدام است و بی شک آیندگان او و مجاهدتهایش را بهتر و بیشتر خواهند شناخت. حاج علی اکرام به حق مرد خدا، مجاهد راه اسلام و قهرمان ملی آذربایجان بود.



آران نیوز / منطقه قفقاز از دیرباز خاستگاه بزرگان علم و دین بوده است. این منطقه وسیع که به عنوان یکی از حوزه های تمدنی ایران-اسلام به شمار می رود، همواره شخصیت های برجسته ای را در آغوش خود پرورده است. هرچند تعدد قومیتی، تعدد مذهبی و تنوع زبانی در دوره هایی از تاریخ موجب بروز حوادث ناگواری بوده، ولی این خصیصه و شرایط اجتماعی حاکم بر آن در رشد و تعالی قاطبه ی اقوام و پیروان مذاهب و پیشروی به سوی صلح و صفای عمومی و همساری و همسوزی و صبر و شکیبایی و بردباری، بسیار موثر بوده است. به غیر از ادواری که در اثر دخالت عنصر بیگانه ی روس و ارمنی، دسیسه چینی ها و شیطنت های تزار و بلشویک ها و داشناقها، اختلافات قومی و مذهبی در بین مردم قفقاز ایجاد شده است، عموماً محیط قفقاز محیط مناسبی برای ابراز اندیشه ها و عقاید و نوآوری ها بوده است. حلقه ی اتصال اقوام و مذاهب مردم قفقاز وجود عنصر ایرانی اسلامی در تمامی عرصه های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بوده که این خود زمینه را برای استعدادهای بومی در حوزه ی شمالی تمدن ایرانی اسلامی را فراهم کرده است. به ویژه از قرن 16 میلادی، قفقاز در تمامی عرصه های علمی، دینی، فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی خاستگاه شخصیت های بزرگی بوده است. در حوزه ی زبان و ادبیات فارسی شخصیت هایی چون نظامی، خاقانی، فلکی شیروانی، مهستی، گنجوی و در حوزه ی زبان و ادبیات ترکی ادبایی چون نسیمی شیروانی، نشاط، سید عظیم شیروانی، ملاپناه واقف، در عرصه ی عرفان، عرفایی همچون نسیمی، باکویی، کشوری، در عرصه ی ادبیات مرثیه بزرگانی چون ملامحمدتقی گلزار قهری، ملا محمدنخجوانی، عباسقلی آقا باکیخانوف، در زمینه ادبیات طنز، شخصیتی همچون میرزا علی اکبر صابر، جلیل محمدقلی زاده، در زمینه ی موسیقی، موسیقی دانانی همچون سیدمحسن نواب و عزیزحاجی بیگوف و در حوزه ی دین، قرآن و معارف اسلامی، علمایی چون حسین بادکوبه ای، میرمحمدکریم موسوی باکویی، ملامحمدحسن شکوری زاده، پیشنماز زاده، حافظ اقتدی، شیخ شامیل و در حوزه ی اقتصاد و دینداری، افرادی چون مرتضی مختاروف و زین العابدین تقی اف، در حوزه ی علوم سیاسی اجتماعی افرادی چون خونیسکی، توپچوباشی اف، محمدامین رسول زاده و در میدان رزم و دفاع از وطن قهرمانانی چون جوادخان گنجه ای، حسینقلی خان باکویی، قاجاق نبی و صدها عالم و شخصیت برجسته از این دیار برخاسته است. اگر به تاریخ قفقاز نظری بیاندازیم، می بینیم که در هر دوره به تناسب شرایط حاکم بر آن شخصیتی برخاسته است. قفقاز تا عهدنامه ی ترکمنچای و گلستان یک چهره ی ویژه ای داشته و به عنوان بخشی از حوزه ی تمدن ایرانی اسلامی مطرح بوده است. بعد از معاهده ی مذکور تا استیلای بلشویک ها یک چهره ی متنوع و متغیری داشته و در عین جدایی از ایران توانسته است هویت اصلی خود را حفظ نماید. ولی در عین حال از پیشرفت و تجدد و تحولات بین المللی دور نمانده و با بومی سازی برخی جریانات انقلابی حتی تاثیر عمده ای در تحولات ایران زمین داشته باشد. اوج این تاثیر در زمان مشروطیت از طریق ادبیات و فرهنگ و مطبوعات کاملاً هویدا است. در دوره ی استیلای بلشویک ها بر قفقاز و اجرای سیاست اسلام زدایی، ایران ستیزی، ترک ستیزی و بخشش منابع نفتی، زمین های حاصل خیز و فرصت های شغلی، در سرتاسر قفقاز به روس ها و تجزیه و تقسیم خاک مسلمانان قفقاز (آذربایجان) بین غیر مسلمانان، چهره ی قفقاز دگرگون گردید. اولاً قفقاز مسلمان فروپاشید و از دل آن دو جمهوری مسیحی، گرجی ارمنی در اطلس سیاسی پدیدار شد که سابق بر آن به عنوان یک اقلیت مذهبی از نعمات ایرانیان و در برهه ای از زمان از گشاده رویی و مهمان نوازی مسلمانان قفقاز منتعم بودند. پس از این استیلا مسائل و مشکلات بزرگی گریبانگیر مسلمان ها شد. از یک طرف تخم ضددینی، اسلام ستیزی، ایران ستیزی و ترک ستیزی از ناحیه ی روس ها پاشیده شد و از طرف دیگر با حمایت روس زمینه ی نفاق، کینه توزی، اشغال گری، آسیمیلیسیون و تحریفات فراهم گردید.

با نبود عنصر ایرانی اسلامی این جریانات شکل گرفت و به اوج خود رسید که نهایتاً منجر به به مشکل قره باغ و اشغال اراضی مسلمانان در حوزه ی جغرافیا و دین گریزی و ایران ستیزی در حوزه ی فرهنگ و معنویت گردید. با طرح تخریبی گلاسنوست و پروستریکای گورباچف، همان گونه که حضرت امام (ره) پیش بینی کرده بود، سوسیالیسم و در کنار آن استبداد سرخ به زباله دان تاریخ پیوست و چون ابرتیره در اثر نسیم سحری به طور کلی رخت بریست و قفقازیان به استقلال رسیدند، اما با کوله باری از مشکلات و مسائل پیچیده که کلید حل آن دیگر در دست خودشان نبود. با این حال بار دیگر جریانهایی که در دوره های از تاریخ در قفقاز بوجود آمده و می رفت که به تکامل خود برسد و در نیمه ی راه مقطوع شده بود، دگر بار به جریان افتاد. یکی از این جریان ها، جریان اسلام گرایی متکی بر میهن پرستی آذربایجانی بود که ریشه در تاریخ قفقاز داشت و ریشه ی آن به شخصیت هایی چون جوادخان گنجه ای، میرزا علی اکبر صابر، شیخ غنی زاده، پیشنماز زاده، ملامحمد شکوی زاده، میرمحمد کریم موسوی باکویی، خونیسکی و ... متصل شد. این بار راس این جریان و یا آغاز این جریان با نام حاج علی اکرام گره خورده بود. وی که در خفقان سوسیالیسم با سختی تمام توانسته بود از طریق ندای امام خمینی و انقلاب اسلامی به هویت اصلی خود بازگشته، ماهیت اصلی خود را دریابد، جریان و حرکت میهنی مذهبی خود را با ندای الله اکبر از مادن مسجد تازه پیر باکو آغاز نمود و اگر بگوییم که با ندای تکبیر حاج علی اکرام، نهضت اسلامی آذربایجان شروع شد گزارف نگفته ایم.

بعد از هفتاد سال استیلای بلشویک ها بر قفقاز و قلع و قمع آثار دینی و محو هرگونه نمود دینی و قتل عام تمامی متفکران و مبلغان اسلامی، حاج علی اکرام، همان حلقه متصل به جریانات دینی دهه اول قرن بیستم بود که این بار با چهره ی جدید و مسئولیت نو وارد عرصه ی کارزار مبارزه با جهل ایدئولوژیکی و بی هویتی شده بود. حس بیداری اسلامی حاج علی اکرام از طریق یک دانشجویی یعنی شروع به غلبان کرد و با شنیدن نام آیت الله خمینی به عنوان مرجع انقلابی جهان تشیع، عشق در جان وی شعله ور شد. گو اینکه گمشده ی خود را پیدا کرده است. این وصال در یک فضای الهی و معنوی بین حاجی و آیت الله شکل می گیرد و آشنا شدن وی با نام امام خمینی (ره) به مثابه یک امر خارق العاده و معمای ظریف و یا امری تصادفی ولی با معنی در اذهان باقی می ماند. قدرت عشق غیابی وی به امام گو اینکه بر تمامی عوامل مخوف مستولی می گردد و وی برای اطلاع از انقلاب امام خمینی (ره) گویا زمین و زمان به یاری وی بسیج می گردد و حتی از کمونیست های توده ای ایرانی و عناصر قریب خورده ی فرقه دموکرات تا رادیو تبریز به عنوان ابزار ارتباطی و رسانه ی خبری وی عمل می کنند.

به گفته خود مرحوم ، برخی عناصر توده که به آذربایجان فرار کرده و با زبان فارسی آشنا بودند ، اطلاعات و اخبار مربوطه به رهبران انقلاب اسلامی را به وی می دادند. حتی رساله ی حضرت امام(ره) و تصاویر رهبران انقلاب اسلامی را توده ای های فراری که اغلب هم توبه کرده بودند ، برای وی تهیه کرده و به حاجی داده بودند. این جز عنایت خداوندی نیست که یک فرد توده ای مبلغ رساله ی امام خمینی باشد و حاجی علی اکرام به صورت غیابی در دانشگاه انقلاب اسلامی آموزش دید و منابع خوبی را حتی در دوران خفقان رژیم کمونیستی جمع آوری کرده و خود تبدیل به کانون بیداری اسلامی شد. این کانون آنچنان غنی و پخته شده و فدائیان بی نظیری را گرد خود جمع کرده بود که با فروپاشی رژیم کمونیستی شوروی به شکل یک تشکل سیاسی تحت عنوان حزب اسلامی بروز کرد و عملاً وارد فعالیت سیاسی و اجتماعی شد. این جریان بیشتر متکی به شخصیت دینی و اخلاقی و مرشدگونه ی حاج علی اکرام بود. زیرا در اغلب مشکلات اجتماعی و حتی سیاسی حاجی علی اکرام به عنوان یک پیر ، ریش سفید آگاه ، محل رجوع اقشارمختلف جامعه بوده است. به عنوان مثال در دفاع از وطن و میهن ، پاسداری از خاک کشور در مقابل تجاوزات و تهاجمات بی رحمانه و فجیح ارامنه و اشغال قره باغ توسط حزب داشناکسیون ، در یاری و کمک رسانی به رزمندگان آذربایجان و کمک به آوارگان جنگی بسیار تاثیرگذار بود.

وی در جریان استقلال طلبی مردم جمهوری آذربایجان همواره هدایت گر و روشنگر گروه ها و دسته جات خودجوش بوده و در کشتار مردم بی دفاع آذربایجان در 20 ژانویه سیاه توسط ارتش سرخ شوروی همواره کانون روحیه بخشی مردم بوده و در مراسم کفن و دفن شهدای 20 ژانویه فعال بود. حتی پیشنهاد دفن شهدا را در قبرستان پارک علیای شهر که امروز تحت عنوان شهیدلرخیبانی معروف است ، توسط وی ارائه شد.

همچنین در ایجاد روحیه ی برادری و وحدت بین مذاهب اسلامی و حتی در رعایت مقررات بین المللی و بشر دوستانه در بین سایر پیروان ادیان و مذاهب بسیار تاثیرگذار بود. بنابراین جریان حزب اسلامی و بیداری اسلامی و نفوذ این جریان در بین اقشار مختلف جامعه (در سالهای اول استقلال) و مطرح شدن آن به عنوان یکی از جریانات تاثیرگذار ، مستقیماً به شخصیت دینی ، اخلاقی و حماسی حاجی علی اکرام مربوط می شود. لذا می توان گفت که حاج علی اکرام خود یک جریان بود. توجه به مسائل بین المللی ، مشکلات جهان اسلام ، توجه به وحدت اسلامی ، ژرف نگری در امور سیاسی ، دقت و کیاست در دشمن شناسی و توطئه شناسی ، برخورداری از شجاعت و جرات لازم در معرفی و تبلیغ احکام اسلامی و افشای جریانات خیانتگر به وطن و ملت آذربایجان از عمده ترین خصوصیات و ویژگی های شخصیتی وی بود.

حاج علی اکرام مجاهد نستوه و آغازگر جنبش اسلامی معاصر آذربایجان، روز پنجشنبه 26 اسفند 1389 برابر با 17 مارس 2011، پس از 40 سال جهاد در راه ترویج اسلام و زندگی خدایی، بر اثر شکنجه های زندان و بیماری قند و ریه در منزل شخصی خود در نارداران. باکو در 71 سالگی دار فانی را وداع گفت.

راه حاج علی اکرام که به تعبیر خود او راه امام خمینی بود، امروز در آذربایجان مستدام است و بی شک آیندگان او و مجاهدتهایش را بهتر و بیشتر خواهند شناخت. حاج علی اکرام به حق مرد خدا، مجاهد راه اسلام و قهرمان ملی آذربایجان بود.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما.

رحمت خدا و سلام فرشتگان و درود اولیاءالله بر او باد.